

بسم الله الرحمن الرحيم

جریان زهر نژادپرستی در وجود امت!

(ترجمه)

خبر:

اخبار زیاد در رابطه به حوادث نژادپرستی در ترکیه، لبنان، کویت و دیگر سرزمین‌های اسلامی وجود دارد.

تبصره:

کمتر روزی سپری می‌شود که حمله نژادپرستی علیه مهاجر سوری در ترکیه و همچنین حوادث مشابه در لبنان یا آزار دادن ده‌ها هزار "البدون" (البدون به معنی بدون شناسنامه و بدون هویت رسمی است که به حدود 100 هزار شهروند کویتی اطلاق می‌شود که دولت کویت از دادن حق شهروندی به آن‌ها سر باز می‌زند.) در کویت و مشکلات زیاد در سرزمین‌های دیگر اسلامی نشنیده باشیم، نبینیم و نخوانیم.

بلی، این حوادث تعداد زیادی از مسلمانان را تحریک می‌کند و از آن‌ها منکر می‌شوند و تلاش مقابله با مهاجرین را دارند و بعضی دیگر برادری ایمانی و عواقب ظلم و سایر مفاهیم کلی صحیح را یاد آور می‌شوند. لیکن چگونه امکان دارد این زخم را تداوی و چگونه انگشت را روی زخم خونریز بگذاریم؟

واقعیت این است که نژادپرستی در سطوح مختلف نتیجه مستقیم میوه از میوه‌های کاشت شده‌ای دولت-ملت می‌باشد؛ لذا این میوه فاسد را غرب کافر استعمارگر با اسالیب و وسایل خبیث زرع نموده و با حدود و مرزهای ملی لعنتی سایکس پیکو آن را ترسیم کرده است. پس نژادپرستی نمونه‌ای از دولت-ملت گردیده که این در گذشته وجود نداشت و از آن حاصل زهری بدست می‌آید که به قلب‌ها و عقل‌های مسلمانان ریشه می‌دواند و نظام‌های ساخته غرب بیل زدن، آبیاری کردن و مستحکم کردن آن را به دوش دارند.

این مدل از دولت و فکر وطنی را که تمثیل می‌کنند لازم است که آن را انکار، ترک و نسبت به آن بغض داشت. چگونه وقتی وطن‌پرستی با بسیاری از احکام شرعی که نمونه کاملاً متفاوتی را ارائه می‌دهد، برخورد می‌کند.

از یک جهت وطن‌پرستی مفهوم ولاء و براء را مخالف احکام شریعت اسلامی آورده و از جهت دیگر فرقه سیاسی را در بین امت ایجاد کرده که هم‌چنان مخالفت واضح با احکام شریعت اسلامی دارند که وحدت سیاسی را ایجاب می‌کند، از جهت سوم استحقاق حقوق و ایجاب تکالیف را به وطن ارتباط می‌دهند که این نیز مخالف با احکام شریعت اسلامی می‌باشد؛ شریعتی که احقاق حقوق، ایجاب تکالیف را بر اساس مقتضای شریعت اسلامی می‌داند، نه خاک. جهت‌های دیگری نیز وجود دارد که مجال بر شمردن آن نیست و نشان می‌دهد که وطن‌پرستی تا چه اندازه با شریعت اسلامی کینه‌توزی و تضاد دارد.

یکی از آن‌ها چند روز پیش در مصاحبه‌ای با من تلاش کرد موضع دولتش (مراکش) را در مورد عادی‌سازی با رژیم غاصب یهودی توجیه کند، برای استفاده از صدای او در سازمان ملل ضد همسایه الجزایری در قضیه صحراء و توافق با شیطان را به خاطر وطن جایز می‌دانند!

زمانی که وطن را به بت عصر توصیف می‌کنم، مبالغه نکرده‌ام!

پس برای وطن مرز، تاریخ، پرچم، سرود، لهجه، دوست، دشمن، جشن‌ها، نماد، فرهنگ، سیاست، نقد، قانون اساسی، جنگ و شهداء وجود دارد. این دسته‌ای وطن یک یا دوتا نیست؛ بلکه 52 بسته متفرق به عدد دولت‌های ملی و متفرق می‌باشند. اینجا خانه بیماری و مریضی است و این معبودی است که هر لحظه و هر بار باید سنگسار شود. هرگز مثل این فکر خبیث و خطرناک در میان اهل فکر، فرهنگ و سیاست محل بحث نمی‌باشد. آیا خطوط مرزی را که کفار استعمارگر ترسیم نموده‌اند، به خطوط سرخ تبدیل نشده است؟ به آن خطوط مرزی نزدیک نمی‌شویم، بلکه آن خطوط را تقدیس می‌کنیم!

در پایان می‌گوییم، مسلمان سوری برادر مسلمان ترکی است و مسلمان البدون برادر مسلمان کویتی‌ست و مسلمان لبنانی برادر مسلمان سوری می‌باشد... برای این که این برادری به یک واقعیت سیاسی، حقوقی و قانونی، بدیل دولت‌های به روش غرب کافر تبدیل گردد، گریزی از خلافت بر منهج نبوت نیست!

نویسنده: م. أسامة الثويني

مترجم: پارسا امیدی

تاریخ: جمعه، 4 آگست 2023م.